



۲۰۱۹/۱۲/۱۰

ملالی موسی نظام

به استقبال از هفتاد و یکمین روز جهانی اعلامیه ارزشمند حقوق بشر



تاریخچه مختصر اعلامیه حقوق بشر:

بعد از ختم جنگ جهانی دوم و اثرات ناگوار آن بالای عالم بشریت که منجر به کشتار پراکنده و وسیعی در اکثر ممالک بروی کره ارض گردید، در سال ۱۹۴۵ تهداب مؤسسه خیریه ایکه ممالک عضو و ذیعلاقه بتوانند در پناه مقررات آن حتی المقدور به یک همزیستی مسالمت آمیز راه یابند، در شهر نیویارک گذاشته شد. در پهلوی شرائط و اصول نامه ها و فیصله جات این تشکیل خیریه بین المللی و کمیته ها و کمیسیون های متنوع آن، کمبود یک توافق نامه و یا اصول نامه ایکه بتواند حقوق و احتمالاً وجایب افراد بشر را تا حدودی که حاکمیت دول و قوانین متبوعه آنان مجاز بداند، بصورت یک اعلامیه جهانی همه جانبه شدیداً احساس می گردید. در حقیقت حوادث و تصمیم گیری های خود سرانه ایکه در اثر مظالم و استبداد حکمروایان بر اتباع ممالک منحیث اصول و مقررات تحمیل میگردید، نمیتوانست در چوکات قوانین و مقررات شرافتمندانه و حمایت از حقوق بشری آنان مری الاجرا گردد؛ مخصوصاً که پامال حقوق انسان بصورت وسیع و لجام گسیخته ای در جوامع بعد از

جنگ، کاملاً خود سرانه جامعه عمل می‌پوشید و حتی موجودیت قوانینی که خود به آن رسمیت بخشیده و پذیرفته بودند، از جانب اولیای امور بر سر اقتدار دول مراعات و پذیرفته نمی‌گردید.

در چنین حالت زار جهان بشریت، باز هم احتیاج مبرمی به یک اصولنامه عمومی که حقوق و مزایای انسانی را بتواند درجه بندی و حمایت نماید، شدیداً محسوس گردید، همان بود که بعد از تشکیل اجتماعی از خبرگان و متخصصین تحت نظارت سازمان ملل متحد، تصویب و تصدیق نظریات گوناگون و البته با «**افهام و تفهیم مثبت**» در زمینه پشتیبانی از حقوق بشر بر روی کره ارض، اصول نامه ارزشمندی بوجود آمده و رسمیت حاصل نمود، طوریکه بتاريخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ مجمع سازمان ملل متحد در پاریس «**اعلامیه جهانی حقوق بشر**» را با هشت رأی موافق و چهار رأی ممتنع تصویب کرد؛ از آن تاریخ به بعد روز دهم دسامبر به عنوان روز جهانی حقوق بشر در سراسر جهان تجلیل می‌شود که مواد سی گانه آن در حقیقت حقوق مشروع اتباع یک مملکت را که بر مواد مندرجه آن صحه گذاشته باشد، باید تأمین و حمایت بنماید.

با اعلام این اصول نامه حقوقی جهانی معتبر و نهایت ارزشمند، سازمان ملل متحد از همه ممالک عضو درخواست نمود تا هر سی ماده «**اعلامیه حقوق بشر**» را نه تنها جزئی از متون قوانین اساسی خود ها نمایند، بلکه بکوشند تا در جوامع شان امکانات عملی چنین مقرره ارزشمندی در پناه قانونیت، جامعه عمل ببوشند.



همه افراد بشر در حقوق و مقام خود آزاد و مساوی تولد شده اند

در پهلوی ده ها پروگرام و فعالیت کمیون های متفرقه سازمان جهانی ملل متحد، یکی «**کمشنری اعلاى حقوق بشر**» مربوط آن مؤسسه می باشد که خدمات انسانی وسیع و متفرقه آن حیات ملیون ها آواره مستحق را که قربانی فقر و جنگ های آتش افروز انسان بر انسان باشد، به صورت های گوناگون نجات بخشیده است.

روز دهم دسامبر ۲۵ سال از تشکیل دفتر «**کمشنری اعلاى حقوق بشر**» ملل متحد سپری می‌گردد؛ در سال ۱۹۹۳ میلادی اسامبله عمومی ملل متحد چنین روزی را مشخص نمود تا توجه ملل و دول جهان را به مواد مندرجه «**اعلامیه جهانی حقوق بشر**»، این مقرره ارزشمند حقوقی بین المللی به منظور حمایه و مراعات حقوق حقه انسانی اتباع شان، منحیث یک خط مش درج شده در قوانین آنان، جلب نموده باشد.

۲۵ سال قبل حین تشکیل دفتر کمشنری اعلاى حقوق بشر، در یک کنفرانس بین المللی در ویانا پایتخت اطریش که به منظور حمایه و وقایه از حقوق انسانی تشکیل گردیده بود، موجودیت و رسمیت این دفتر برای پستی بانی

ملل جهان برای حفظ حقوق آنان، رسمیت حاصل نمود، چنانچه مواد مندرجه این جلسه که به «کنفرانس ویانا» شهرت دارد، اساسنامه دفتر کمشنری اعلاى حقوق بشر را احتواء مینماید.

در افغانستان که از هر نوع «روز جهانی» از جانب دولت و گاهی هم مردم استقبال «؟!» میگردد، همه ساله روز «جهانی حقوق بشر» هم با راه پیمایی ها و مظاهراتی از جانب درد رسیدگان نا امید از عدم وجود عدالت انتقالی و انصاف در قبال ناقضین حقوق بشر و جنایتکاران جنگی بر سر قدرت، صورت می گیرد که بیشتر به منظور اعتراضات و جلب توجه حکومت برای تأمین عدالت، بازخواست جنایتکاران جنگ های خانمان سوز و البته محکمه و حق ستانی ملیون هایی که درین دهه های اخیر بصورت انفرادی و یا گروهی شکنجه، مجروح و یا کشته شده اند و هیچ عدالتی در قبال آن خلافکاری ها و خشونت ها تا امروز صورت نگرفته است. در زمره ده ها نوع پامال حقوق بشر در افغانستان، عملاً رد غیر قانونی حقوق زنان و تعمیم انواع خشونت بر زن و دختر افغان، بیدریغ و دردا که همه ساله قوس صعودی را می پیماید؛ چنانچه کمیسیون حقوق بشر افغانستان چنین تزیاید ضد انسانی را هر سال گزارش میدهد!

درد مردم افغانستان بیشتر بخاطر موجودیت جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر در قدرت های گوناگون است که با سر افراشته در چنین احوالی از عدالت و انصاف حرف میزنند. طور مثال عبدالله عبدالله علم بردار ائتلاف معلوم الحال شمال و یکی از قهرمانان فاجعه بشری «قتل عام افشار» که در نوع خود ثبت تاریخ جهان گردیده است، بدون تردید عملاً با همراهی و امر مسعود به اشتراک یونس قانونی، قسیم فهیم و گروه سیاف، یکی از دلخراش ترین مظالم بشری انسان بر انسان «افغان بر افغان» را در آن ماه سرد و استخوان سوز از فراز کوه آسمایی بر اهالی شهر های مختلفه آن نواحی پایتخت مرتکب گردید که منجر به قتل بیشتر از ۵۰۰۰ هموطنان بی دفاع هزاره ما گردید. این قهرمان آن تراژیدی بشری، در مورد حمایه از حقوق بشر «؟!»، چنین گفتاری داشته است:

عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه افغانستان در پیامی به مناسب روز جهانی حقوق بشر سال قبل گفته است، که در کنار سایر مشکلات در این کشور، مهم ترین مانع فرا راه تحقق حقوق بشر " گروه های تروریستی" اند.

به گفته آقای عبدالله این گروه ها همواره در پی خلق فاجعه و نقض حقوق بشر می باشند و بار ها "مرتکب جنایت جنگی و نقض صریح حقوق بشر" در افغانستان شده اند، که البته سهم جنایات گروه های مخالف دولت واضح بوده و شکی در آن نیست، ولی مگر خود وی و گروه های تنظیم هایی که پایتخت را ویران و ۶۵ هزار سکنه بیدفاع آنرا به قتل رسانیدند، قدمی بر علیه مواد ارزشمند «اعلامیه حقوق بشر» نه برداشته اند؟!!

آقای عبدالله در پیامش تأکید کرده است که تروریسم، وابسته و متعهد به هیچ قوم، ملت، مذهب و جغرافیای خاصی نیست؛ بلکه تهدید جهانی است که در برابر ارزش های حقوق بشری قرار دارد.

مشاهده می گردد که دزد هم میگوید وای و صاحب خانه هم، یعنی جنایات ابتکاری و مظالم ضد بشریت که در جریان جنگ های داخلی ذریعه همه تنظیم های تشنه قدرت که هنوز هم مقتدر اند، بر ملت افغانستان و اهالی شهر کابل وارد گردیده است گویا ارتباطی با پامال مواد اعلامیه حقوق بشر نداشته است، وگرنه افغانستان از جمله اولین مملکت عضو ملل متحد بود که این اعلامیه حمایوی حقوق انسانی را امضاء نمود.

در جریان جنگ های مدهش تنظیم های جهادی، بیشترین کشتار و دشمنی از جانب دو مقدرین که «گلبدین حکمتیار» و رقیب وی «احمد شاه مسعود» باشد، ددمنشانه بوقوع پیوست که منجر به جنایات سبعانه وسیعی گردید، دردا که امروز عبدالله جانشین مسعود و همین گلبدین حکمتیار، یار جانی و همگام در کسب قدرت گردیده اند.

البته که تروریزم امروز به انواع مختلف برای پامال حقوق بشر و عملیات ابتکاری از نوع جنایات بشری، سخت جوامع را به خون و آتش کشانیده است، ولی دردا که در افغانستان با پامال عدالت و نقض مواد اعلامیه حقوق بشر، جنایت کاران جنگی هنوز هم بر مسند قدرت از حقوق انسانی و افغانی دم میزنند، آنچه را خود شان سال های متمادی پامال جفاکاری های ضد بشریت نموده اند!

اصل مطلب درین جاست که اگر از مردم بیچاره و بیوسیله افغانستان بخواهیم که هر روز به استقبال روز شهید، روز مبارزه بر علیه خشونت بر زنان، روز اعلامیه حقوق بشر، روز روز... بروند، برای آنان نهایت درد ناک بوده، همه این جریانات ملت را زیاد تر به فکر هرچه بیشتر جنایتکاران و قاتلان خانواده ها و هموطنان مظلوم شان در عدم وجود عدالت و دادخواهی و پامال اساسات اعلامیه حقوق بشر می اندازد. درحالیکه مواد اعلامیه ارزشمند حقوق بشر که مراعات آن حق مسلم ملت افغانستان است، مخصوصاً حقوق زنان که سال به سال به کم رنگی میگراید و نه تنها در اجتماع پامال میشود، بلکه در حلقه فامیل هم با خشونت و مظالم فراوان روبرو مییاشد.

آخر تاکی و تا چند باید با نقاب ریا و تزویر بر ملتی محروم قدرت نمایی نمود که تشنه برقراری عدالت و بازخواست جنایتکاران ۴۲ سال اخیر مردم خویش بوده و از حمایه، تقرر و انتخاب غیر عادلانه مجرمین جنگی و ناقضین حقوق بشر به مقامات بالا، در ۱۸ سال اخیر، در اندوه و نا امیدی بیشتری قرار می گیرند.

پایان